یادداشت سیاسی

بودجه فرهنگ آب دریاست، می‌خورند و تشنه‌ترند

عباس عبدی

روشن است که مدیران فرهنگی می‌خواهند بگویند مشکل، فقدان کار فرهنگی است و آن هم بودجه می‌خواهد. پس لطفا سر کیسه را شل کنید و اگر نه مسوولیت شکست فرهنگ به عهده نهاد تخصیص بودجه است؟! قاطعانه می‌توان گفت همه بودجه‌هایی که در حوزه‌های فرهنگی مورد نظر آقای رییس سازمان برنامه صرف می‌شود، نه تنها اثرگذاری ندارد، بله اثرات منفی هم دارد. فرهنگ و کار فرهنگی هم تبدیل شده است به دکانی دو نبش برای پول در آوردن عده‌ای بدون اینکه هیچ اثر مثبتی داشته باشند. اصولا کار فرهنگی موثر و مفید نیازی به پول و بودجه ندارد، برعکس درآمدزا هم هست. هنگامی که درکی از امر فرهنگی نباشد، گمان می‌کنند که باید پول بگیرند تا مثلا کار فرهنگی کنند. روشن است که افراد ضعیف و ناتوان در حوزه فرهنگ، دنبال این روش پول درآوردن هستند. همین الان کسانی هستند که بدون ریالی کمک دولتی و رانت در حال تولید کالاهای فرهنگی خلاقانه هستند. حتی از این راه زندگی هم می‌کنند. پیش از انقلاب نیز چنین بود. یک نشریه داشتند بدون ذره‌ای حمایت، تحت فشار حکومت هم بودند، ولی با همان نشریه هزینه‌های زندگی افراد زیادی را تامین می‌کردند.

الان هزاران میلیارد هزینه صرف نظام رسانه‌ای خود اعم از صدا و سیما، مطبوعات، سایت‌ها و خبرگزاری‌ها و موسسات ریز و درشتی مثلا فرهنگی می‌کنند، دریغ از یک گام پیشرفت و اثرگذاری مورد نظر. چرا؟ برای اینکه الزامات امر فرهنگی را نمی‌دانند. فرهنگ را به تبلیغات یا تلقین به مردگان هنگام خاک کردن آنها، تقلیل می‌دهند. گمان می‌کنند اگر چیزی را به هر نحوی حتی بی کیفیت تکرار کنند، مخاطب آن را می‌پذیرد، در حالی که نمی‌دانند این عملکرد تبلیغی اثر منفی دارد. به همین علت است که مجموعه فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی آنان در برابر کوچک‌ترین فعالیت‌های رقیب رنگ باخته و از میان می‌رود. ارقام سنگینی را صرف تولید یک سرود می‌کنند؛ با ترانه یک جوان به حاشیه می‌رود. هفته گذشته رییس سازمان برنامه در جلسه طولانی با مسوولان نهادهای فرهنگی ملاقات می‌کند و تعدادی از روسای روحانی این نهادها نیز حاضر بودند. ساعت‌ها در باره امور فرهنگی و بودجه سخن گفته و تاکید می‌کند که اولویت را باید به کار فرهنگی داد. وی در بخشی از سخنان خود گفت: «سازمان برنامه به اعتبار اینکه متولی تدوین و اجرای برنامه‌ها و تخصیص بودجه است، باید به مسائل فرهنگی کشور ورود کند... در موضوعاتی مثل زن و خانواده، حجاب، سبک زندگی، رسانه و مواردی از این دست، امروز در جامعه به اجماع، همفکری و انسجام بیشتری نیاز داریم... برخی فعالان فرهنگی گلایه دارند که موضوع فرهنگ در برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی مورد غفلت قرار گرفته و نگاه‌ها در تخصیص منابع، بیشتر به مسائل اقتصادی و زیربنایی معطوف شده که انتقاد بجا و درستی است؛ یعنی باید اهتمام نظام برنامه‌ریزی به بخش فرهنگ و مولفه‌های فرهنگی کاملا متفاوت شود و یک تغییر رویکرد جامع‌نگر اتفاق بیفتد.» روشن است که مدیران فرهنگی می‌خواهند بگویند مشکل، فقدان کار فرهنگی است و آن هم بودجه می‌خواهد. پس لطفا سر کیسه را شل کنید و اگر نه مسوولیت شکست فرهنگ به عهده نهاد تخصیص بودجه است؟! قاطعانه می‌توان گفت همه بودجه‌هایی که در حوزه‌های فرهنگی مورد نظر آقای رییس سازمان برنامه صرف می‌شود، نه تنها اثرگذاری ندارد، بله اثرات منفی هم دارد. مطالعات انجام شده در این حوزه‌ها جملگی نشان‌دهنده گرایش روزافزون جامعه به سوی قطب مقابل ارزش‌های رسمی است. چه در موضوع زنان، چه حجاب، چه سبک زندگی و چه نظام رسانه‌ای و تولیدات آن. اتفاقا بودجه همه آن‌ها از جمله صدا و سیما در سال‌های اخیر با شدت افزایش یافته است. بودجه مثل شیرینی است؛ به محض آنکه در جایی دیده شود، حشرات مزاحم به آن حمله می‌برند. حشراتی که هیچ درکی از توانایی‌های فرهنگی ندارند. کافی است به فعالیت‌های فرهنگی برای فرزندآوری در سال‌های اخیر و نتایج آن نگاه کنید. اتفاقا تخصیص منابع مالی در این حوزه، موجب می‌شود که دولت از حوزه‌های مهم‌تر غفلت کند و این به بدبینی بیش‌تر مردم و دوری آنان از حکومت می‌انجامد. مشکل این ساختار درکی است که از مفهوم فرهنگ دارد. فرهنگ را به تبلیغ، آن هم سطحی‌ترین تبلیغ تقلیل می‌دهد. فرهنگ و فهم آن سهل و ممتنع است. شما نمی‌توانید یک حوض آب را در یک استکان جای دهید. بخش مهمی از ارزش‌ها و گزاره‌های فرهنگی رسمی مثل جا دادن یک استخر آب داخل یک استکان است. به همین اندازه شدنی است. مساله ما فقط اعتبار و درستی ارزش‌های رسمی درباره زن، حجاب، سبک زندگی نیست. مساله اصلی ممتنع بودن پذیرش و تحقق این ارزش‌ها با ساختار موجود است. هر گونه بودجه‌ای که برای این کارها اختصاص دهید فقط به جیب عده معدودی می‌رود، بدون اینکه بازدهی مثبتی داشته باشد. این‌ها بودجه‌هایی است که از امور آموزش، بهداشت، تامین اجتماعی، فقرزدایی، امنیت و... زده می‌شود. به میزانی که این بخش‌ها ضعیف می‌شوند، به زیان نظام سیاسی است. بخش فرهنگی شما هیچ کارکرد مثبتی ندارد، جز اینکه چاه ویل است، هر چه داخل آن بریزید، تلف می‌شود. بودجه فرهنگ برای این فعالان بودجه‌خور مثل آب دریاست، هر چه بخورند تشنه‌تر می‌شوند.

کوچکی‌نژاد عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس:

دولت ایده‌های خود را به زمان مناسبی موکول کند، الان وقت مناسبی نیست

سرویس سیاسی – عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس گفت: هرگونه تنش مانند افزایش قیمت یا تغییر نحوه توزیع چه در بنزین یا در حوزه‌های دیگر می‌تواند اثرات منفی داشته باشد؛ مثلا اخیرا من شنیدم که سازمان بازرسی در استان‌های شمالی دهیارها را احضار می‌کند و خانه‌ها را تخریب می‌کنند، به نظر من در این مقطع از زمان این نوع اقدامات هیچ سودی برای مشارکت مردم ندارد و مشارکت را پایین می‌آورد، سران سه قوه در این حوزه باید اقدامات اساسی و چاره اندیشی کنند. جبار کوچکی‌نژاد عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی در خصوص «کاهش سهمیه بنزین در فاصله یک ماه مانده به انتخابات ۱۱ اسفند و اینکه این اتفاق می‌تواند چه اثری روی افکار عمومی و مشارکت داشته باشد؟»، گفت: ببینید من معتقدم که هم دولت هم قوه قضاییه هر دو باید به مشارکت عمومی مردم کمک کنند. مقام معظم رهبری تاکید دارند و خیلی جدی هم به این مساله ورود کردند که مشارکت بالا برود در نتیجه به اعتقاد من آن‌هایی که همراه مقام معظم رهبری هستند و کارگزار نظام هستند باید این مشارکت را روز به روز افزایش دهند. وی ادامه داد: هرگونه تنش مانند افزایش قیمت یا تغییر نحوه توزیع چه در بنزین یا در حوزه‌های دیگر می‌تواند اثرات منفی داشته باشد؛ مثلا اخیرا من شنیدم که سازمان بازرسی در استان‌های شمالی دهیارها را احضار می‌کند و خانه‌ها را تخریب می‌کنند، به نظر من در این مقطع از زمان این نوع اقدامات هیچ سودی برای مشارکت مردم ندارد و مشارکت را پایین می‌آورد، سران سه قوه در این حوزه باید اقدامات اساسی و چاره اندیشی کنند. نماینده مردم رشت خاطرنشان کرد: این اتفاقات ضربه به مشارکت مردم است و مشارکت مردم موجب اقتدار نظام است، این‌ها بدون اینکه بدانند چه کار می‌کنند، اقتدار نظام را تضعیف می‌کنند. وی افزود: اگر دولت ایده و برنامه‌ای برای مدیریت مصرف سوخت در کشور دارد یا هر برنامه اقتصادی دیگر مدنظر دارند هر کدام از این‌ها باید به زمان مناسب موکول شود و الان زمان مناسبی نیست. کوچکی‌نژاد در واکنش به شایعه احتمال سه نرخی شدن بنزین گفت: بعید می‌دانم، اگر دولت چنین اقدامی را در پیش بگیرد مجلس با یک طرح سه فوریتی جلوی این کار را خواهد گرفت و دولت نمی‌تواند این کار را انجام دهد.

وی در پاسخ به این سوال که «اگر چنین مساله‌ای مصوبه سران قوا باشد، چطور؟»، ابراز داشت: مگر اینکه تاییدیه مقام معظم رهبری باشد، در غیر این صورت مجلس تحت هیچ شرایطی اجازه چنین کاری را نخواهد داد.

باهنر فعال سیاسی:

«لاریجانی» پای لیست «خاتمی» را امضا نمی‌کند

■ رییس جبهه پیروان خط امام(ره) و رهبری بر این باور است که با وجود شعبه‌های متعدد در جریان اصولگرا، تمامی آن‌ها برای انتخابات مجلس دوازدهم به وحدت خواهند رسید.

سرویس سیاسی – «محمدرضا باهنر» از سابقون کنش‌گری سیاسی در ایران و از چهره‌های با سابقه بالا در مجلس شورای اسلامی است؛ همین سابقه طولانی موجب شده تا در افواه نخبگان سیاسی به «لابی من» شهره شود. او در انتخابات مجلس دهم حاضر به نامزدی نشد اما برای حضور در مجلس آینده (مجلس دوازدهم) بار دیگر کاندیدا شده است. برای بررسی بیشتر نحوه کنش‌گری اصولگرایان برای انتخابات مجلس آتی، از شورای ائتلاف گرفته تا شورای وحدت و شریان و پایداری و... به سراغ باهنر رفتیم. رییس جبهه پیروان خط امام (ره) و رهبری می‌گوید که گفت‌وگوهای اصولگرایان الان بیشتر روی «تعداد لیست‌ها» و «درصد اشتراک بین لیست‌ها» متمرکز است. او در عین حال معتقد است که ایده «اشتراک صفر» چندان طرفداری میان اصولگرایان ندارد. از باهنر درباره «۵ ضلعی راهبری» دو جریان اصلاحات و اعتدال برای انتخابات مجلس نیز پرسیدیم. او بر این باور است که «ناطق نوری» و «سیدحسن خمینی» پدرخوانده هیچ فهرست انتخاباتی نخواهند شد و «علی لاریجانی» نیز پای لیستی که نام خاتمی باشد را امضا نمی‌کند. نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی در اثنای اظهارات خود، نقدهایی را نیز نسبت به قالیباف طرح کرد؛ اینکه رییس مجلس نتوانست «فراکسیون اکثریت» تشکیل بدهد و مدیریت‌اش در مجلس بیشتر شکل «فرماندهی» به خود گرفت.

در ادامه مشروح گفت‌وگو با «محمدرضا باهنر» را از نظر خواهید گذراند:

آقای باهنر! شما به همراه آقایان سیدرضا تقوی و اسدالله بادامچیان، از سوی «شورای وحدت» در جلسات «شورای ائتلاف» شرکت می‌کنید. رایزنی‌های انتخاباتی این دو تشکل در چه مرحله‌ای است؟

فضایی که ترسیم کردید، به این صورت نیست چون آقای بادامچیان مدت‌هاست که در جلسات شورای ائتلاف شرکت نمی‌کند و من، هم در جلسات شورای ائتلاف و هم در جلسات شورای وحدت حضور دارم. در جلسات شورای ائتلاف که می‌روم، بارها بیان کرده‌ام که من از شورای وحدت نمایندگی ندارم. استراتژی من این بوده و هست که اصولگرایان به وحدت برسند. اصولگرایان طیف وسیع رنگین‌کمانی دارند؛ از جریان پایداری و شریان تا نیروهایی همچون رهپویان، ایثارگران، جانبازان و تیپ موتلفه‌ای‌ها. برخی گرایش‌ها در این طیف وسیع متأسفانه دنبال خالص‌سازی شورای ائتلاف یا خالص‌سازی جامعه بشری هستند تا فقط یک‌سری از نیروهایی که با خودشان همراه، همدل و همگرا هستند، بمانند. استراتژی من اما بیشتر وحدت این جریانات است و تلاش می‌کنم که این وحدت، شکل گیرد. در یکی از جلسات شورای ائتلاف، از من به عنوان عضو شورای ائتلاف نام برده شد که من بعداً مصاحبه کردم و گفتم که من، عضو «همه شوراها» هستم و در همه جلسات شرکت می‌کنم چون استراتژی من این است که اصولگرایان، به وحدت برسند. اینکه اصولگرایان به وحدت نزدیک شده‌اند یا خیر، باید بگویم که هنوز این اتفاق نیفتاده است و به وحدت نزدیک نشده‌اند؛ البته در بیش از ۵۰ درصد استان‌ها و شهرستان‌ها، شورای وحدت و شورای ائتلاف یکی شده‌اند و البته در برخی جاها، اختلاف وجود دارد. همه ما تلاش می‌کنیم تا به وحدت و یکپارچگی برسیم.

چرا اصولگرایان به زعم شما هنوز به وحدت نزدیک نشده‌اند؟ اصطلاحاً «گیر کار» کجاست؟

گیر کار این است که برخی جریانات، رقبای خود را به رسمیت نمی‌شناسند. ما به کشورهایی که حکومت در آن‌ها با زور سرنیزه شکل می‌گیرد، کاری نداریم اما در کشورهایی که روی رأی مردم حکومت‌ها شکل می‌گیرند، دو، سه ابزار غیر قابل اجتناب وجود دارد که یکی، حزب است. بارها گفته‌ام که من به آینده مردم‌سالاری دینی در غیبت سه، چهار حزب قدرتمند، بیمناک هستم. البته این را هم باید بیان کنم که احزاب درون نظام باید با احزاب دیگر رقابت کنند اما اگر حزبی بخواهد با نظام رقابت کند، طبیعتاً با هسته سخت، روبه‌رو خواهد شد. بنابراین وقتی از احزاب صحبت می‌کنیم، این احزاب باید در چارچوب نظام فعال باشند و کار کنند. لازمه حزب، رقابت جدی است. رقابت برای ما که مدعی مسلمانی هستیم، باید در خیرات باشد، نه در رقابت تخریبی. متأسفانه در هر دو طرف، هم اصلاح‌طلبان و هم اصولگرایان، آدم‌های تند و تیز داریم که رقبای خود را به رسمیت نمی‌شناسند؛ در حالی که نظام مردم‌سالار، نظام دموکراتیک بر پایه یک رقابت سالم بین جریانات مختلف سیاسی است. پایه‌گذار و مؤسس شورای ائتلاف، آقای رییسی است. وقتی شورای ائتلاف تشکیل شد، طیف وسیعی در آن حضور داشتند، از آدم‌های خیلی تند و تیز و خالص‌گرا تا طیف لیبرال. وقتی آقای رییسی به قوه قضاییه رفت، گفت که نباید در جریانات جناحی فعال باشد و برای همین، شورای ائتلاف را تحویل آقای «حداد عادل» داد. گیر قضیه که پرسیدید کجاست، در این جاست که طیف‌های اصولگرایی از مادون قرمز تا ماورای بنفش، باید همدیگر را تحمل کنند و همراه باشند؛ این مشکل است و باید حلش کرد.

شما گفتید که هنوز وحدت اصولگرایان حاصل نشده است اما چندی پیش «ابراهیم رسولی» سخنگوی شورای ائتلاف گفت که «الگوی لیست واحد برای تهران» مشخص شده است.

برای شورای ائتلاف مشخص شده است. در تهران ممکن است ۴ یا ۵ جریان وجود داشته باشد که یکی از آن‌ها، جریان شورای ائتلاف است؛ دیگری جریان پایداری و شریان است؛ البته رهپویان و ایثارگران هم هستند؛ جریان دیگر شورای وحدت است که جامعه روحانیت و یک‌سری احزاب در آن حضور دارند...

مثل موتلفه اسلامی، جامعه اسلامی مهندسین...

بله؛ از طرفی نمایندگان فعلی تهران هم برای خودشان یک جریان هستند. از ۳۰ نماینده فعلی تهران در مجلس، ۴ نفر به دلیل سن یا مسائل دیگر ثبت‌نام نکردند اما ۲۶ نفر دیگر ثبت‌نام کردند و صلاحیت همگی آن‌ها تأیید شده است. بنابراین این ۲۶ نفر هم برای خود ادعا دارند. رسیدن به یک لیست ۳۰ نفره برای تهران، نیازمند تفاهم همه این جریان‌ها است. الان هر کدام از این جریان‌ها می‌گویند که برای خودمان لیست می‌بندیم و جلو می‌رویم. البته چشم‌انداز من این است که نهایتاً به یک وحدت می‌رسند.

همه این جریانات امکان وحدت و رسیدن به لیست واحد را دارند؟

در تهران ممکن است دو لیست پُررنگ بیرون بیاید اما لیست‌های حاشیه‌ای و ریز همیشه وجود داشته است. فرضا در هر محله و مسجد و پایگاه ممکن است یک لیست بیرون بیاید.

اما شما معتقدید که لیست‌های اصلی اصولگرا، در نهایت در تهران تجمیع خواهند شد.

سعی می‌کنیم تجمیع شوند. در جلسات هم خدمت دوستان مطرح کرده‌ام که اگر نمی‌توانید ۱۰۰ درصد به تفاهم برسید، فرضا «لیست به علاوه ۱۰» بگذارید؛ یعنی ۲۰ نفر بین لیست‌ها مشترک باشند و هر جریان، ۱۰ نفر دیگر را اختصاصی برای خودش بگذارد. یعنی در حال گفت‌وگو و رایزنی بر سر راه‌حل‌های میانه‌ای هم هستیم. ما سعی می‌کنیم یک لیست از اصولگرایان بیرون بیاید، اگر نشد دو لیست، اگر نشد سه لیست. اگر تک لیست شود، ۳۰ نفر مشترک خواهند بود. شاید ۵ نفر، ۱۰ نفر، ۱۵ نفر یا ۲۵ نفر بین لیست‌ها مشترک شوند؛ همه این مدل‌ها را داریم بررسی می‌کنیم. یک زمانی حتی بحث «اشتراک صفر» هم مطرح شد؛ یعنی هیچ اشتراکی بین لیست‌ها نباشد. بنابراین گفت‌وگوها الان بیشتر روی «تعداد لیست‌ها» و «درصد اشتراک بین لیست‌ها» متمرکز هستند

نحوه لیست‌دادن اصولگرایان، تا چه اندازه تابع «شکل حضور اصلاح‌طلبان» خواهد بود؟

بله؛ به رقبا هم چشم داریم. ما به رقبا هم تا اندازه‌ای امید داریم که بتوانند یک لیستی را در تهران ارایه کنند. مثلاً حزب اعتدال و توسعه که پدرخوانده آن آقای روحانی است و دبیرکل آن آقای نوبخت است با یکسری جریانات اصلاح طلب مانند کارگزاران، اگر بتوانند در تهران لیستی را جمع و جور و عرضه کنند که فکر می‌کنم آدم‌هایی دارند که بتوانند عرضه کنند، ما اصولگرایان به سمت وحدت تشویق خواهیم شد. اما اگر اصلاح‌طلبان در مجموع نتوانند یک لیست قدرتمند ارایه کنند، این طرف در بین اصولگرایان طبیعی است که یک لیست داده نخواهد شد. البته من که این صحبت‌ها را مطرح می‌کنم، سخنگوی اصولگرایان نیستم و دارم فقط تحلیلم از شرایط را می‌گویم.

دو تحلیل درباره شرایط اصولگرایان بیان کردید؛ یک تحلیل این بود که با وجود تکثر در تعداد لیست‌ها، اشتراکاتی بین لیست‌ها وجود داشته باشد. تحلیل دیگر اما این بود که «اشتراک صفر» حاکم شود یعنی هیچ چهره‌ای میان لیست‌ها مشترک نباشد و هر جریان، لیست مستقل خودش را بدهد. از بین این دو ایده کدامیک وزن بیشتری میان اصولگرایان دارد؟

من این موضوع را احصاء نکرده‌ام اما تحلیلم این است که «اشتراک صفر» الان چندان طرفدار ندارد و اصولگرایان بیشتر دنبال این هستند که با یک‌سری اشتراک‌ها، لیست‌های خود را ارایه کنند.

شخصاً خبری شنیدم مبنی بر اینکه شما در صورت بیرون‌ماندن از لیست شورای ائتلاف، از کاندیداتوری انصراف خواهید داد. کناره‌گیری شما از عرصه انتخابات تا چه اندازه جدی است؟

من که ثبت‌نام کردم و تا پایان خواهم ماند.

یک‌سری شایعه‌ها مطرح بود که در صحنه نمی‌مانید.

بله؛ شایعات مختلفی وجود دارد. وقتی برای انتخابات مجلس دهم ثبت‌نام نکردم، این موضوع را سرّی نگه داشتم تا روی من بابت تکلیف شرعی، فشاری نباشد. جالب است تحلیل می‌کردند که باهنر از ترس اینکه می‌خواهند صلاحیت او را رد کنند، یا چون می‌خواهد بعداً رییس‌جمهور شود، ثبت نام نکرده است. طیف وسیعی از اینگونه تحلیل‌ها وجود داشت اما هیچکدام واقعیت نداشتند. من الان ثبت‌نام کردم و باقی خواهم ماند. البته یک بار شوخی کردم و گفتم که دنبال حجت شرعی می‌گردم که کنار بروم؛ اما در واقع آن صحبت صرفاً طنز بود.

آقای باهنر! اخیراً در گفت‌وگو با آقای متکی، او از نوع سیاست‌ورزی شورای ائتلاف گلایه‌مند بود. او می‌گفت شورای ائتلاف با این پیش فرض که لیست‌هایش در دو انتخابات مجلس یازدهم و شورای شهر ششم پیروز شده، خود را اصطلاحاً در «مرکز ثقل اصولگرایان» می‌پندارد و انتظار دارد که اگر قرار بر وحدت است، سایر اضلاع اصولگرایی به سمتش حرکت کنند. این گلایه تا چه اندازه موضوعیت دارد؛ بالاخره بخشی از سیاست‌ورزی باید معطوف به کسب نتیجه هم باشد.

ببینید! طیف‌های مختلفی که در جریان اصولگرایی حضور دارند و به آن‌ها اشاره کردم، هر کدام به تنهایی ادعاهای مستندی برای خودشان دارند. فرض کنید الان آقای قالیباف با اینکه با شورای ائتلاف یکی است، اما بالاخره بعضاً صحبت‌هایی درباره جایگاه خودش مطرح می‌کند. مثلاً چند وقت پیش که وی مهمان جامعه اسلامی مهندسین بود، گفت که من [در انتخابات مجلس یازدهم] سرلیست بودم اما ۲۹ نفر تهران را نچیدم اما حتی اگر می‌چیدم، همگی رأی می‌آوردند؛ یعنی مدعی بود که من (قالیباف) اگر آن زمان وارد شورای ائتلاف نمی‌شدم و خودم مستقلاً لیست می‌دادم، آن لیست قطعاً رأی می‌آورد. همین الان هم آقای قالیباف مدعی است که من (قالیباف) لوکوموتیوی هستم که اگر ۲۹ واگن پشت خود ببندم، همگی به مجلس وارد می‌شویم؛ این نظر آقای قالیباف است. از طرف دیگر شورای ائتلاف می‌گوید که درست است که آقای قالیباف با ۲۹ نفر دیگر به مجلس رفتند اما این ما بودیم که حمایت کردیم. جریان پایداری‌ها و شریانی‌ها هم می‌گویند اگر بنا باشد ما لیست ۳۰ نفره بدهیم، همه این ۳۰ نفر وارد مجلس می‌شوند. پس الان هر یک از اصولگرایان مدعی هستند ما آنقدر طرفدار در تهران داریم که اگر لیست جدا بدهیم، پیروز می‌شویم. آقای قالیباف البته [در جلسه جامعه اسلامی مهندسین] جمله دیگری هم بیان کرد که من در انتخابات قبلی، ۳۰۰ هزار تک رأی داشتم. نمی‌خواهم بگویم این صحبت درست یا خلاف است اما در تهران، آدم نباید به تک‌رای افتخار کند و بگوید من تک رأی داشتم.

سخنگوی شورای ائتلاف، اخیراً گفت که قالیباف سرلیست شورای ائتلاف برای انتخابات مجلس خواهد بود. نظر شما در این باره چیست؟

بعد از این صحبت، در شورای ائتلاف چالش ایجاد شد. من آن روز [که چالش ایجاد شد] در جلسه شورای ائتلاف حضور نداشتم اما یک عده نقل کردند که به همین جمله سخنگو، اعتراض شده است. البته من نکته‌ای بابت سرلیستی آقای قالیباف ندارم و احتمالاً وی سرلیست می‌شود لیکن بحث این بود که چرا قبل از اینکه شورای ائتلاف تصمیم بگیرد، سخنگو این حرف را زده است.

پس شما مشکلی با سرلیستی قالیباف ندارید؟

من می‌خواهم بگویم که شورای ائتلاف هم می‌گوید هنوز تعیین نشده است.

نظر شما درباره سرلیستی احتمالی قالیباف چیست؟

من حرفی ندارم و مشکلی در این خصوص نیست اما این موضوع باید در یک فرآیند به جمع‌بندی برسد. یک نفر تصمیم بگیرد که سرلیست باید چه کسی باشد، درست نیست.

احیاناً غیر از قالیباف، چه افراد دیگری برای سرلیستی مطرح هستند؟

درباره سرلیست بحثی نیست. برخی روزنامه‌های اصلاح‌طلب یک سری اسامی مثل آقای «آقاتهرانی» یا بنده را مطرح می‌کنند که درست نیست. می‌خواهم بگویم که تصمیمات باید فرآیندی باشد و نمی‌شود یک نفر برای کل تصمیم بگیرد.

بازگردیم به نحوه کنش‌گری اصلاح‌طلبان و اعتدالیون. این‌ها مدعی هستند که رد صلاحیت‌ها آنقدر زیاد بوده که نمی‌توانند برای تهران، به یک لیست کامل ۳۰ نفره برسند. نظر شما درباره این ادعاها چیست؟ چون شنیده می‌شود که دو جریان اصلاحات و اعتدال برای ارایه یک لیست ۳۰ نفره قوی، مشغول رایزنی‌های سازمان‌یافته پشت‌پرده هستند.

من خبری ندارم؛ اصلاح‌طلبان هم البته طیف‌های وسیعی دارند. برخی، انتخابات را تحریم کرده‌اند و برخی دیگر با اینکه نمی‌گویند تحریم می‌کنیم اما می‌گویند چون کاندیدا نداریم، شرکت نخواهیم داشت. برخی همچون کارگزاران سازندگی می‌گویند در هر حوزه‌ای که کاندیدا داشته باشیم، شرکت می‌کنیم اما جایی که کاندیدا نباشد، شرکت کردن ما معنا ندارد. «طیف نرم» اصلاح‌طلب که می‌گویند هر جایی کاندیدا داشته باشیم، شرکت می‌کنیم، در تکاپو هستند تا در تهران بتوانند لیستی را جمع و جور کنند و هنوز فکر می‌کنم شورای محترم نگهبان می‌تواند کمک کند برای اینکه مشارکت افزایش یابد؛ یک عده زیادی هستند که در تهران ثبت‌نام کردند و ممکن است هزار تا رأی بیشتر نداشته باشند اما همین هزار نفر را می‌توانند پای صندوق بیاورند.

در ارتباط با احتمال ائتلاف اصلاح‌طلبان و اعتدالیون، رسانه‌ها از یک «۵ ضلعی راهبری» سخن به میان می‌آورند که شامل آقایان ناطق نوری، خاتمی، سیدحسن خمینی، حسن روحانی و علی لاریجانی است. به نظر شما آیا این ۵ ضلعی برای حمایت از لیست مشترک اصلاحات-اعتدال، دور یک میز جمع خواهند شد؟

من خیلی صریح بیان کنم که آقای ناطق، این کار را نمی‌کند. ممکن است در برخی جلسات بنشیند و مشورت بدهد اما هرگز حاضر نیست این کار را کند؛ آقاسیدحسن هم حتماً این کار را نمی‌کند.

یعنی این دو نفر از لیست اصلاح‌طلبان و اعتدالیون حمایت نمی‌کنند؟

اینکه وارد میدان شوند و رسماً حمایت خود را اعلام کنند، خیر. مثال روشن من حزب اعتدال و توسعه است. دبیرکل این حزب، آقای دکتر نوبخت است اما تقریباً همه فعالان سیاسی می‌دانند که «پدرخوانده» حزب اعتدال و توسعه، آقای روحانی است. اگر اعتدال و توسعه لیست بدهد، من نمی‌دانم که آقای روحانی آیا رسماً خواهد گفت که من از این لیست حمایت می‌کنم یا خیر؛ اما چه این کار را بکند و چه نکند، نخبگان می‌دانند که وی، پدرخوانده این حزب است؛ ولیکن آقاسیدحسن و آقای ناطق، این کار را نمی‌کنند و پدرخوانده هیچ لیستی هم نخواهند شد. خاتمی سابقه سیاسی دارد اما مصاحبه‌های او بوی ناامیدی می‌دهند. نمی‌خواهم بگویم که وی رسماً انتخابات را تحریم کرده است اما اینکه در میدان بیاید و تلاش کند، به نظرم این‌طور نخواهد شد. اگر [اصلاح‌طلبان و اعتدالی‌ها] بتوانند لیست جدی داشته باشند، ممکن است خاتمی با توجه به سابقه فعالیت‌های سیاسی که داشته، وارد میدان شود. آقای لاریجانی هم هیچ‌گاه تحت عنوان جریان اصلاح‌طلبی نبوده و الان هم نیست؛ ممکن است یک‌سری اصولگرایان بگویند آقای لاریجانی، به «میانه» رفته است اما سابقه وی، اصولگرایی است و در این جریان حضور داشته و در طیف وسیع اصولگرایی، قرار می‌گیرد؛ بنابراین تصور نمی‌کنم آقای لاریجانی لیستی را امضا کند که فرض کنیم خاتمی بخواهد پایش را امضا کند.

پیرامون وضعیت صلاحیت «نمایندگان ادوار مجلس شورای اسلامی» این فضاسازی به وجود آمد که اولاً قاطبه آن‌ها نزدیک به علی لاریجانی بودند و ثانیاً با رد صلاحیت عمده آن‌ها، این پیام غیر مستقیم به لاریجانی ارسال شد که او دیگر سهمی در معادلات آتی قدرت نخواهد داشت. این فضاسازی را تا چه اندازه قبول دارید؟

این‌ها همگی تحلیل هستند و واقعیت ندارند. در کشور بیش از ۱۳ هزار نفر تأیید شده‌اند و از این میزان، آن تعدادی که من احصاء کرده‌ام، حدود ۳۰۰ تا ۳۵۰ نفر نمایندگان ادوار هستند؛ یعنی افرادی هستند که سابقه نمایندگی دارند. اینکه بگوییم همه این ۳۵۰ نفر نماینده ادوار، تحت تأثیر جریان آقای لاریجانی هستند، قطعاً درست نیست. در بین افرادی که از ادواری‌ها تأیید شدند اصلاح‌طلب، اصولگرا، طرفدار آقای لاریجانی و حتی مخالف آقای لاریجانی حضور دارند. تا جایی که می‌دانم حدود ۷۰۰ نفر از نمایندگان ادوار ثبت‌نام کرده بودند که از این تعداد، حدود ۴۰۰ نفر تأییدشدند.

پس در مجموع معتقد هستید که لاریجانی در قبال انتخابات آتی، سکوت خواهد کرد؟

خیر؛ من این را نمی‌گویم.

تحلیل شما درباره نحوه کنش‌گری علی لاریجانی در انتخابات چیست؟

ممکن است آقای لاریجانی به یک لیست مستقل شامل اصولگرایان و اصلاح‌طلبان برسد و به این نتیجه برسد که از آن حمایت کند اما تحلیل من این است که وی بالای سر هیچ لیست اصلاح‌طلبی را امضا نمی‌کند.

یعنی لاریجانی به اراده خود، لیست مشترک از دو جریان اصلاح‌طلبی و اصولگرایی می‌بندد؟

ممکن است؛ البته من خبر ندارم که قطعاً این کار را می‌کند یا خیر.

مثل اتفاقی که در انتخابات سال ۹۴ رخ داد و افراد نزدیک به علی لاریجانی مثل «کاظم جلالی» و «بهروز نعمتی» در «لیست امید» جای گرفتند.

من خبر ندارم و فقط تحلیل خودم را بیان می‌کنم.

بسیار خوب! پیش‌بینی شما از ترکیب مجلس آینده چیست؟

اصلاً نمی‌شود پیش‌بینی کرد. یک زمانی دو جناح روشن و مشخص داشتیم و با همدیگر رقابت می‌کردند اما الان اینگونه نیست. قبلاً یک طرف اصلاح‌طلبان و طرف دیگر، اصولگرایان بودند و تکلیف‌شان مشخص بود. الان جناح اصولگرا، خودش شامل طیف وسیعی است و اصلاح‌طلبان هم همین‌طور هستند. در جناح اصولگرایی، ممکن است یک طیف مثلاً پایداری‌ها یا فرضا همگرایان آقای «احمدی‌نژاد» موفق شوند. البته احمدی‌نژاد چون سکوت کرده، یکی‌بودن یا نبودن پایداری‌ها با وی، در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. بنابراین اصلاً نمی‌توان پیش‌بینی کرد که مجلس دوازدهم، چه نوع نگاهی خواهد داشت.

حتی نمی‌توان پیش‌بینی کرد که مجلس دوازدهم، شبیه کدامیک از مجالس گذشته خواهد شد؟

خیر؛ اکثریت مجالس در گذشته عموماً یا در اختیار جناح راست بود یا در اختیار جناح چپ. فقط در مجلس دهم یک اتفاق جالب رخ داد که عملاً در کشور «لیست امید» توسط آقای «عارف» بسته شد. این لیست در کشور توانست حدود ۱۴۰ تا ۱۵۰ نفر را وارد مجلس کند؛ اما بعداً که آقای عارف در داخل مجلس، کاندیدای ریاست شد، فقط ۱۰۴ رأی آورد؛ سوال اینجاست که چرا آن ۱۴۰ تا ۱۵۰ نفر که با نردبان آقای عارف به مجلس رفتند، همگی به وی رأی ندادند؟ این نشان می‌دهد که ما در ساحت‌های سیاسی خود اشکالاتی داریم. برخی عزیزان از یک نردبان بالا می‌روند اما موقع بالا رفتن، نردبان را لگد می‌زنند و می‌اندازند. در همین مجلس یازدهم با اینکه فراکسیون «انقلاب اسلامی» به عنوان فراکسیون اکثریت مطرح است و ۲۲۰ نفر هم عضو دارد، اما موقع استیضاح یک وزیر یا رأی اعتماد به یک وزیر، فقط ۱۴۰ رأی جمع می‌شود. این فراکسیون ۲۲۰ نفری، یا باید تصمیم بگیرد رأی بدهد یا رأی ندهد؛ اما وقتی از آن تعداد فقط ۱۴۰ نفر رأی می‌دهند، معلوم می‌شود که این فراکسیون منسجم نیست و حالت «ژله‌ای» دارد. حتی یک بار شاهد بودیم که برای نایب‌رییسی یک فرد، سه بار رأی‌گیری به عمل آمد و در نهایت، نایب‌رییس با قرعه‌کشی انتخاب شد. قبلاً در مجلس این وضعیت نبود. ما در فراکسیون تصمیم می‌گرفتیم و رأی‌گیری می‌کردیم و بدون اینکه به کسی دستور بدهیم یا حکمی صادر کنیم، می‌گفتیم فرضا این ۱۲ نفر، هیأت‌رییسه می‌شوند و در صحن علنی هم همان ۱۲ نفر رأی می‌آوردند.

**بحث‌مان وارد فاز خوبی شده است. با نگاه به ترکیب مشاورین «محمدباقر قالیباف» متوجه می‌شویم که عمده آن‌ها در سودای نمایندگی مجلس آینده هستند. از نگاهداری و آجورلو گرفته تا عسگری و احدیان. به نظر می‌رسد قالیباف از وضعی